

رفتارشناسی اخلاقی

و علمی امام رضا علیه السلام

زهرا خیراللهی^۱

چکیده

شناخت ابعاد و زوایای شخصیت حضرت رضا علیه السلام با عنایت به نگرش رفتارگرایانه در این مقاله بررسی می‌شود. امام علیه السلام در جهت ارتقاء علمی و ثبات روابط فردی و اجتماعی، جایگاه رفیعی برای اخلاق و علم قائل شده‌اند و در این دو مقوله، تصویر روشنی از بکارگیری روشهای اصلاحی مبتنی برمؤلفه‌های اخلاقی و نشر و ترویج علم ارائه کرده‌اند. پاسخ به شبهات و شرکت در مناظرات، جدال احسن، باوصف جامعیت علم و سعه صدر، آموزش باورها و جهان بینی و نیز موعظه‌های اخلاقی، بیانگرهمت والای آن حضرت علیه السلام در نشر علوم و معارف و شاخص‌های اخلاقی است. این نوشتار درصدد است به روش توصیفی - تحلیلی اولاً به روشننگری گوشه‌ای از ابعاد شخصیت آن حضرت و ارائه الگویی تمام عیار در سلوک رفتاری و عملی، به تشنگان حقیقت و فرهیختگان معرفت پردازد. همچنین با توجه به ظرفیت فرازمانی سخنان امام رضا علیه السلام می‌کوشد در پژوهشی نوین به واکاوی و معرفی رفتار اخلاقی و علمی ایشان ذیل مناظرات پردازد. و نهایتاً در پرتو معرفت افزایی در این زمینه و با توجه به آنچه از حقیقت رفتار و عمل و تفکیک لایه‌های آن بدست می‌آید، رفتار درست و عملکرد صحیح در جامعه بطورکلی و بالاخص در جوامع اسلامی گسترش می‌یابد.

کلید واژگان: امام رضا علیه السلام، اخلاق، علم، رفتارشناسی، مناظرات.

* دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰.

۱. استادیار دانشگاه پیام نور گروه علوم قرآن، تهران، ایران. zkeirolahi@pnu.ac.ir

مقدمه

تحلیل و ارزیابی رفتار، شخصیت و سخنان اندیشمندان ائمه هدی علیهم السلام بطورکلی و بویژه حضرت رضا علیه السلام با توجه به نگرش رفتارشناسانه، ارزش والای خود را دارد. انسان با زوایای پنهان و آشکار آن اسوه فضیلت‌ها، آشنا تر شده و با توجه به معرفتی که از این رهگذر حاصل می‌شود، بر میزان عشق و محبتش به آنان افزوده خواهد شد. طبیعی است که با عنایت به ظرفیت فرازمانی سخنان ایشان، در آن صورت با عزم و اراده جدی تری، آنان را امام و مقتدای خویش قرار خواهد داد.

حضرت رضا علیه السلام سلاله رسول الله صلی الله علیه و آله و امام هشتم شیعیان است. روح آن امام، چنان با «کرائم اخلاق» توأم گشته، که هر حکیم خلیقی را به اعجاب و امید دارد. آن جناب به لحاظ علمی چنان متبحر بودند که هر عارف هوشمندی را مبهور خویش می‌سازد.

حضرت رضا علیه السلام نیک می‌دانست که چه گنجینه‌های ارزشمندی را باید برای آیندگان ذخیره کند. با این نگرش بود که به مدیریت فرهنگی و رفتاری یاران و صحابه فرهیخته خود همچون: فضل بن شاذان، ربیان بن صلت، محمد بن خالد، یونس بن عبدالرحمن و ابن ابی عمیر، و... همت می‌گماشتند. (ر.ک: امین عاملی، ۱۴۰۶، ۲/۲۶)

حضرت رضا علیه السلام چه قبل از آن که به ولایتعهدی نائل شوند و چه بعد از آن موقعیت، که امکانات بیشتری در اختیارشان قرار گرفت، سعی بلیغ داشتند تا شیفتگان حقیقت را از شعله رفتار خویش منور سازند و آنان را از چشمه زلال معارف خود سیراب گردانند.

در اوج گرفتاری و محنت، از زندانی شدن پدر عظیم الشان خود، موسی بن جعفر علیه السلام گرفته، تا بعد از شهادت ایشان و طوفانی که در مدینه برپا شد، و سپس درگیری امین و مأمون و آن‌گاه تبعید به خراسان و مسئله ولایتعهدی؛ درهمه این دوران، به هر شیوه ممکن، استعداد های درخشان را به حضور می‌پذیرفت و آنان را در مسیر صلاح و سداد، رشد و ارتقا می‌بخشید.

وَمِنْ مَّظَلَعِي نُورَ الْبَسِيطِ كُلِّمَعَةٍ
فَبَدْرِي لَمْ يَافِلْ وَشَمْسِي لَمْ تَعَبْ
وَمِنْ مَشْرَعِي الْبَحْرَ الْمُحِيطِ كَقَطْرِهِ
وَبِي يَهْتَدِي كُلُّ الدَّرَارِ الْمُنِيرَةِ^۱

۱. درازاء طلعت وجود من، نورخورشید، همچون شعله ای بیش نیست، و بحر محیط، در برابر دریای شخصیت

حضرت رضا علیه السلام قبل از آن که به ولایتعهدی مأمون برگزیده شوند، شخصیت نافذی داشتند. این گونه شخصیت‌ها وقتی به سمت زمامداری دنیوی برسند، به کرسی قدرت افتخار می‌بخشند. آنان چیزی کم نداشتند که بخواهند با این تشریفات جبران کنند؛ برخلاف افراد فاقد شخصیت، که اگر روزی از قدرت فاصله بگیرند یا عزل شوند شخصیتی نخواهند داشت.

این نوشتار تلاش دارد با تحلیل رفتار حضرت در بخشهایی از مباحث اخلاقی و علمی ایشان، به ایجاد رفتارهای سازنده و مؤثر و تربیت نهادهای مختلف در جامعه کمک کند. قبل از ورود به مبحث رفتارشناسی اخلاقی و علمی امام رضا علیه السلام گذری مختصر به پدیده رفتارشناسی می‌کنیم.

رفتارشناسی

رفتارگرایی مکتب و نگرشی است که از دیرباز در میان اندیشمندان و فیلسوفان رواج داشته است. اما رواج گسترده روانشناسی رفتارگرا را می‌توان حاصل تلاشها و فعالیت‌های نسل جدیدی از دانشمندان رفتارگرا مانند جان واتسون، پاولوف و اسکینر دانست. در این پدیده، شیوه‌های ذهنی و تحلیلی در شخصیت‌شناسی کنار گذاشته می‌شوند و دقیقاً به رفتار توجه می‌شود.

طرفداران مکتب رفتاری معتقد بودند که نهایتاً همه چیز در قالب رفتار، قابل مشاهده و سنجش است و رفتار را هم می‌توان با پاداش، تنبیه و شرطی‌سازی و مهندسی سایر عوامل محیطی، تغییر داد. از دیدگاه این مکتب، یادگیری که نهایتاً به تغییر رفتار منتهی می‌شود. شناخت شخصیت انسانها در واقع همان آشنایی با ویژگیهای فردی و رفتاری آنهاست. این امر، از گذشته هدف اصلی روانشناسی بوده و امروزه نیز در همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان نقشی ضروری و غیر قابل انکار دارد. (کرام الدینی، ۱۳۹۷، ۴۸)

من قطره‌ای بیش به شمار نمی‌رود. ماه وجودم هرگز افول ندارد و شمس هستی‌ام، هرگز غروب نمی‌کند و در پرتو وجود من است که ستارگان درخشان، هدایت می‌یابند. (ابن فارض، ۱۳۵۰/۱۳۹۰)

۱. وقتی امیرمؤمنان علیه السلام بر کرسی خلافت نشست، صعصعة بن صوحان به آن حضرت، این گونه خطاب کرد: زَيَّنْتَ الْخِلاَفَةَ وَمَا زَانَتِكَ وَرَفَعْتَهُ؛ شما کرسی خلافت را مزین ساخته و رفعت بخشیدی، نه آن که منصب خلافت به شما چیزی بیفزاید. (احمدی، ۱۴۳۶، ج ۱، ص ۱۶۲)

در این مقاله، با این نگرش به بررسی و تحلیل فضائل اخلاقی و علمی امام رضا علیه السلام پرداخته می‌شود.

رفتارشناسی اخلاقی امام رضا علیه السلام

زیبایی اخلاق بزرگترین سرمایه انسان است. ارزشی که اخلاق به انسان می‌بخشد، از هر علم و هنر و ثروتی والاتر است. به همین دلیل مردم به نوابغ و دانشمندان احترام می‌گذارند، ولی به صاحبان اخلاق و فضیلت عشق می‌ورزند!

در سینه امام رضا علیه السلام دریای علم و معرفت موج می‌زد (همانگونه که امام علی علیه السلام می‌فرماید: "ها إِنَّ هَاهُنَا لِعِلْمًا جَمًّا")^۱ بعلاوه از اخلاق و کرامت والائی نیز برخوردار بودند. در این نوشتار، با اختصار به برخی از شاخص‌های اخلاقی حضرت با تأکید بر رفتارشناسی اشاره می‌شود.

۱. تواضع و فروتنی

تواضع نشانگر خردمندی و شخصیت یک انسان و خودشیفتگی و تکبر نشانگر نابخردی و جهالت خواهد بود. حضرت ثامن الحجج علیه السلام، در عرصه‌های مختلف در این راستا می‌درخشید.

وقتی مأمون در راستای علمیت، زهد و عبادت از حضرت رضا علیه السلام تجلیل شایان کرد، حضرت - برخلاف کسانی که در چنین شرائطی دچار نخوت و غرور می‌شوند- تواضع نموده و فرمودند: " بِالْعُبُودِيَّةِ لِلَّهِ افْتَخَرَ وَ بِالْتَّوَّاضِعِ فِي الدُّنْيَا اَرْجُوا الرَّفْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ " به بندگی در پیشگاه حضرت احدیت سرفرازم و با تواضع و فروتنی در دنیا، بلندای مقام و منزلت را در پیشگاه الهی آرزو می‌کنم! (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴/۲۶۲). بدین ترتیب گذشته از تواضع و فروتنی، شکر و سپاس خویش را به ساحت احدیت به جا می‌آورند. در جای دیگر، وقتی از آن حضرت تمجید و تجلیل شایسته‌ای شد، از فرصت استفاده نموده و به صلاح و سداد، ارشاد فرمودند. به امام گفتند که به خدا سوگند بر سطح کره زمین

۱. امیر مومنان علیه السلام به صدر خود اشاره نموده و می‌فرمود: آگاه باشید که، دریای علم در سینه من موج می‌زند! (نهج البلاغه/قصار ۱۴۷)

کسی در شرافت نسبی به پای پدران و نیاکان شما نمی‌رسد! آن حضرت به جای تأیید گفته او، به مصداق " وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا " (سبأ/۳۷) شرافت نسبی را نادیده گرفته و فرمودند: آن چه آنان را سرفراز کرده و به حظ وافر رسانید، طاعت و فرمان بری از خدا بود: "الَّتَقْوَىٰ شَرَفَتْهُمْ وَطَاعَةُ اللَّهِ أَحَظَّتْهُمْ" (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۵/۴۹). این رفتار از پیچیده‌ترین فرایندهای اخلاقی است که می‌تواند مورد تحقیق قرار گیرد. دین اسلام رفتاری را که بر اساس تواضع و فروتنی باشد، برای سعادت بشر برگزیده و نمونه عینی داده است که در تصور انسان عادی نمی‌گنجد.

۲. تولی و تبری

تولی و تبری، از ایمان ریشه دار و استوار یک انسان حکایت می‌کند. همان گونه که یک جا باید در راستای انجام وظائف الهی با دیگران با رأفت و رحمت برخورد کرد و آنان را در آغوش مهر و محبت خویش جای داد، در یک جا نیز باید از افرادی که با فرامین خدا سرستیز و لجاج دارند، حتی اگر از خویشاوندان نزدیک باشد، ابراز براءت کرد و از آنان روی گردانید.

برهمن اساس حضرت رضا علیه السلام به برادرشان زید بن موسی فرمودند: " أَنْتَ أَخِي مَا أَطَعْتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ " تو برادر و محبوب من خواهی بود، مادامی که در مسیر تقوی و طاعت الهی قدم برداری! (عطاردی، ۱۴۰۶، ۲۳۱/۱).

حسن بن جهم نقل می‌کند: محفلی بود که در محضر امام رضا علیه السلام بودیم، و زید بن موسی نیز در آن مجلس بود، حضرت بخاطر رفتار زشت و خلافی که زید مرتکب شده بود، او را مورد سرزنش و عتاب شدید قرار دادند. سپس به من فرمودند: کسی که با خدا به دشمنی برخیزد، از او بی‌زاری بجو، هر کس و از هر خاندانی که باشد. حسن بن جهم پرسید: چه کسی به دشمنی با خدا بر خاسته است؟ فرمود: هر کس که مرتکب گناه شده و عصیان الهی پیشه کند. (همان) ذریه پیغمبر مادامی مورد احترام اند و حتی نگاه به چهره آنان عبادت محسوب می‌شود، که از سیره و سنت پیغمبر منحرف نشده و خود را آلوده به گناه نسازند. (صدوق، ۵۱/۳/۱۳۶۳)

این نوع رفتار حضرت به دلیل انتقال یافتن آن‌ها به دیگران که کاملاً امکان‌پذیر و نوعی

شرطی سازی در فرایند رفتاری می‌باشد، قابل درک است. هدف آن گرامی از این نوع شرطی سازی، یادگیری رفتارهای جدید و جلوگیری از شیوع گناه است.

۳. کرامت و گذشت

عفو و اغماض، فطرت پاک و اصالت یک انسان را به نمایش می‌گذارد. صفای دل و چشم پوشی از کینه و انتقام، سیره بزرگان دین و ائمه هدی علیهم السلام بوده است. آنان هرگز در برابر شرارت و رفتار زشت دیگران درصدد جبران و مقابله به مثل بر نمی‌آمدند. این خصیصه را در رفتار حضرت رضا علیه السلام نیز به نحو بارزی می‌بینیم.

هنگامی که هارون امام کاظم علیه السلام را به شهادت رسانید، «محمد بن جعفر بن محمد» در مدینه خروشید و سربه شورش برداشت.

هارون «جلودی» را برای سرکوب او اعزام کرد و دستور داد که علاوه بر از قتل محمد بن جعفر، به خانه‌های آل ابی طالب یورش ببرد و به خصوص لباس و زر و زیور زنان را غارت نموده و با خود بیاورد! جلودی به همین منظور به خانه امام رضا علیه السلام هجوم برد و درصدد غارت برآمد. حضرت رضا علیه السلام زنان را در یک اتاق گرد آورد و درب خانه ایستاد و فرمود منظور تو چیست؟ جلودی گفت: من مأمورم که لباس و زیورات زنان را با خود ببرم و به هارون تحویل دهم. حضرت به او اجازه ورود نداد، ولی آن چه را که او درصدد بود گرد آورد و تحویلش داد. وقتی مأمون عباسی به خلافت رسید، عده‌ای با جریان ولایتعهدی حضرت رضا علیه السلام مخالفت می‌کردند، که مأمون دستور داد آنان را دستگیر و بازداشت کنند، که از جمله آنان همین جلودی بود. حضرت رضا علیه السلام در کنار مأمون نشستند بود که جلودی را از حبس آوردند. امام به مأمون اشاره کردند که او را مورد عفو و بخشش قرار دهد! جلودی خود می‌دانست که چه جنایت هولناکی مرتکب شده است و شناخت کافی از شخصیت امام نداشت. لذا به گمان این که امام درصدد انتقام است، مأمون را قسم داد که سخن ایشان را درباره او نپذیرد! مأمون هم سوگند یاد کرد که سخن امام را درباره تو نخواهم پذیرفت و با توجه به سوابقی که داشت، دستوراعدام او را صادر کرد.^۱ (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۶۰/۲)

شناسایی الگوی رفتاری ایشان، سبب می‌شود صفای سریره و زیبائی روح حضرت ثامن الحجج علیه السلام به نمایش گذاشته شود. کدام شخصیت، چنین سعه صدری دارد که در ازاء این هتاکی و جنایت، نه تنها از انتقام و تشفی خاطر، چشم پوشید، بلکه درصدد کمک و نجات او برآید؟ چنان‌که گویی جز اکرام و محبت از او ندیده است! این همه از تلؤلؤ دین و ارائه اسوه برای انسان است.

۴. حفظ وحدت

وحدت و اتحاد کلمه در پرتو ایدئولوژی مشترک یعنی قوت و قدرت و تداوم حیات. اختلاف یعنی تضعیف و نابودی و چیره گشتن دشمن. در آئین اسلام بر حفظ وحدت و پل ارتباط تأکید بسیار شده و از هر عاملی که به گونه‌ای وحدت جامعه را شکسته و دیوار اختلاف و نزاع را جایگزین سازد، بر حذر داشته‌اند.

حضرت رضا علیه السلام در راستای اتفاق و وحدت جامعه اسلامی سعی بلیغ به خرج داده و با داشتن نقشه الگوی رفتاری به شیعیان بخصوص تأکید فراوان داشتند که عواطف، محبت و الفت و صمیمیت را جایگزین اختلاف سازند و از اجحاف و بی‌اعتنائی در حق دیگران به شدت برحذر باشند. از این رو به حضرت عبدالعظیم رضی الله عنه این گونه سفارش می‌فرمایند:

سلام مرا به دوستانم برسانید و آنان راهشدار دهید که اجازه ندهند دشمن غداری همچون شیطان به خانه دل آنان رسوخ کند و برقلوبشان مسلط شود! آنان را به راستگویی و ادای امانت ارشاد کند و از آنان بخواهید که در موضوعات لغو و بی‌فائده به جدال و ستیز برنخیزند و سکوت پیشه سازند. به آنان سفارش کنید که به یکدیگر اقبال کنند و به زیارت هم بشتابند، مبادا درصدد عیبجویی برآیند و مقدمات فروپاشی از همدیگر را فراهم آورند! در زمینه وحدت و ویژگی‌ها و عوامل مؤثر برای ایجاد وحدت، زمانی که رفتار حضرت مورد مطالعه قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که امام چقدر زیبا و در مراتب مختلف با مهارت، فرایند رسیدن به این هدف را هدایت می‌کند.

بالندگی عقل و رشد شخصیت انسان در پرتو علم و معرفت میسر خواهد بود.^۱

۱. "قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا" پیامبر بگو پروردگارا وجود مرا در پرتو از یاد علم و دانش تکامل ببخش (طه/۱۱۴)؛ "عَلَى

از این رو با شگردهای مختلف و در فراخور زمان، با عنایت به رفتارشناسی حضرت می‌بینیم چگونه ایشان به پرورش شخصیت‌های فرهیخته مبادرت می‌ورزیدند. رفتار ایشان در قالب‌های متنوع: دعا و نیایش، خطابه، تدریس، مناظره و جدال احسن، تفسیر و تبیین آیات قرآن و در نهایت، از هر شیوه‌ای برای نشر دانش و معرفت استفاده می‌کردند.

حضرت ثامن الحجج علیه السلام از فترتی که بر اثر درگیری بین امین و مأمون پیش آمده بود، استفاده بهینه نموده و در راستای نقشه‌الگوی رفتاری به پرورش شاگردان فرهیخته همت گماردند.

در موضوع رفتارشناسی افراد به رفتارهای قابل مشاهده آنها (در سطح زبان بدن و کلام) توجه می‌شود و سبک‌های غالب رفتاری آنها قابل حدس است. بنابراین براساس رفتارشان، مورد توجه قرار می‌گیرند. امام رضا علیه السلام با یک نگاه به چهره افراد، به ژرفای وجودشان راه یافته، که آیا حقیقت ایمان در او شکل گرفته یا در زوایای جانش نفاق نهادینه شده است. "أَنَا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ حَقِيقَةِ التَّفَاقِ" (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۵۷) تأثیر رفتارهای علمی امام در افراد مختلف، که همانا کلید موفقیت در برقراری ارتباط موثر در نشر علوم و معارف است، امری شاخص برای حضرت به شمار می‌رفت و همین امر در بسیاری موارد سبب هدایت آنها می‌شد.

گویای این حقیقت، سخن حمزه بن عبد المطلب بن عبدالله جعفری است که می‌گوید: نزد حضرت رضا علیه السلام رفتم، درحالی که کتاب یا کاغذی همراه داشتم که در آن از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده بود: دنیا برای صاحب این امر همچون گردویی است که دو نیم شده باشد، "إِنَّ الدُّنْيَا مُثَلَّتْ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ فِي مِثْلِ فَلَقَةِ الْجَوْزَةِ!"

حضرت رضا علیه السلام فرمود: ای حمزه! به خدا سوگند که این نکته حرف حقی است که

آن تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلِمْتَ رُشْدًا" حضرت موسی علیه السلام از حضرت خضر علیه السلام تمنا می‌کند که اجازه دهید از محضر شما علم و دانش فراگرفته تا در پرتو آن رشد شخصیت پیدا کنم. (کهف/۶۶)

باید آن را بر پوست محکمی بنویسید - که به سادگی از بین نرود - " يَا حَمْرُهُ ذَا وَاللَّهِ حَقٌّ، فَأَنْقُلُوهُ
الْيَّ اُدَيْمُ " (عطاردی، ۱۴۰۶، ۱۷۲/۱)

مأمون در بین خلفای بنی العباس، از همه درس خوانده تر بود و از فقه و سایر علوم حظ
وافری داشت. با این وصف، در معرفی شخصیت و رفتار امام هشتم علیه السلام اعتراف می‌کند:
" هَذَا خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُهُمْ وَ أَعْبُدُهُمْ " ایشان بهترین فرد روی زمین و عابدترین آنان
است. (صدوق، ۱۳۶۳، ۱۸۳/۲)

نیز در شأن آن حضرت این گونه اقرار می‌کند: به خدا سوگند که علم صحیح جز نزد
اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله یافت نمی‌شود. (همان/۲۰۳)

طرفه آنکه، امام رضا علیه السلام از این که مورد تمجید و تجلیل دیگران قرار گیرند، بر حذر بود
و بر شعارقرآنی " إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ " تأکید داشتند، و حاضر نمی‌شدند که خود
را اتقی از دیگران بدانند.

کسی به محضر آن حضرت علیه السلام آمد و عرض کرد: " أَنْتَ وَاللَّهِ خَيْرُ النَّاسِ " به خدا
سوگند که بهتر از شما بر روی کره زمین یافت نمی‌شود. فرمودند: سوگند یاد مکن. بهتر
از من کسی است که با تقوا و طاعت و بندگی بیشتری در ساحت احدیت گام بردارد.
به خدا سوگند هنوز این آیه نسخ نشده است که: " إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ " (مرتضی
العاملی، ۱۴۱۶/۳۵۸)

عبد السلام هروی که در بیشتر مناظرات و نشست های علمی آن حضرت علیه السلام حضور داشته
است، می‌گوید: هیچ کس را از حضرت رضا علیه السلام داناتر ندیدم و هیچ دانشمندی آن حضرت علیه السلام
را ندیده، مگر این که به برتری علمی او شهادت داده است. (اربلی، ۱۳۸۲، ۱۵۷/۳)

پاسخگویی امام رضا علیه السلام به شبهات

ارزش انسان به سؤال است. این که می‌بینیم برخی از نقصان و جهالت رنج نمی‌برند^۱ به

۱. امام باقر علیه السلام در شعری چنین می‌فرماید:

خاطر آن است که به جهان مادی و محسوسات دل بسته و دچار غفلت اند.^۱ بنابراین در این جا دو ارزش مطرح است: یکی ارزش سؤال و کاوش، و دیگری طرح سؤال مناسب و شایسته. نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: علم گنجینه‌هایی است - که در سینه‌ها انباشته شده، و کلید آن سؤال است "الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ" (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۴/۷۴) عامل اصلی موفقیت و خوشبختی انسان، در گرو داشتن رفتاری توانا برای برقراری ارتباط اثربخش و حرفه‌ای با دیگران است. افرادی موفق هستند که نسبت به موضوع حل تعارضات و شبهات و ارتباط اثربخش، رفتاری خودآگاهانه و معرفت‌زا داشته باشند. یکی از رسالت‌های ائمه هدی علیهم السلام این بوده که همواره خود را در دسترس جویندگان حقیقت و دانشمندان قرار دهند و به رفع شبهات و پاسخ به سؤالات آنان پردازند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله گاه تا پاسی از شب با سلمان فارسی رضی الله عنه گفتگوی علمی داشتند.^۲ یا حضرت علی علیه السلام که حتی شبی را تا به صبح با ابن عباس به گفتگویی در راستای تفسیر سوره حمد، گذراندند. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۲۳/۱)

حضرت رضا علیه السلام نیز که برخی از اوقات تا پاسی از شب در صدد پاسخگویی به شبهات بودند. روایت ذیل اهتمام آن حضرت علیه السلام بر این رفتار اثربخش را نشان می‌دهد. "در روزه جدم رسول الله صلی الله علیه و آله می‌نشستم، در حالی که دانشمندان مدینه بسیار بودند، هرگاه یکی از آنان در مسأله‌ای در می‌ماند، همگی متوجه من می‌شدند و سؤالات رانزد من می‌فرستادند و من پاسخ آن‌ها را می‌دادم" (اربلی، ۱۳۸۲، ۱۰۷/۳)

«شِفَاءُ الْعُمِّيِّ طَوْلُ السُّؤَالِ وَانْمَا تَمَامُ الْعُمِّيِّ طَوْلُ السُّكُوتِ عَلَيَّ الْجَهْلُ»

درمان کوری و جهالت در سؤال کردن و دوام این کوری در سکوت و نپرسیدن است. (رازی، ۲۵۳/۱۴۰۳)

۱. خواجه نصیر در شرح اشارات شیخ الرئیس گوید: هر قوه‌ای در انسان، اشتیاق به کمال خویش داشته و از آن لذت می‌برد. مثلاً چشم اشتیاق به نور داشته و از ظلمت رنج می‌برد. با این وصف چرا برخی با وجود داشتن قوه عاقله، از جهالت رنج نمی‌برند؟! به خاطر آن که اشتغال به محسوسات، او را از توجه به معقولات بازداشته است و مادام که ذوقی نباشد، شوقی نخواهد بود! (شیخ الرئیس، ۱۴۰۳، ۳۴۹/۳)
۲. از قول برخی از همسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که: كَانَ لِسَلْمَانَ مَجْلِسٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ يَنْفِرُ بِهِ بِاللَّيْلِ حَتَّى كَادَ يُعَلِّبُنَا عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. سلمان شب‌ها به محضر رسول الله می‌آمد، به گونه‌ای که گاهی بیش از ما با آن حضرت بود و از وجود مبارک ایشان استفاده می‌کرد. (مجلسی، ۲۲، ۳۹۱/۱۴۰۳)

تسلط بر کتب آسمانی

تسلط بر کتب آسمانی برای پیشوایان بزرگ اسلام یک ضرورت است، چراکه آنان پیوسته در معرض سؤال قرار می‌گرفتند و برای اثبات حقانیت اسلام باید به کتب آسمانی تسلط داشته باشند. همچنین در برابر افراد دین ستیز که به طور کلی همه ادیان الهی رانفی می‌کنند، باید مجهز و رفتاری آگاهانه داشته باشند تا بتوانند به دفاع از دین پردازند. حضرت رضا علیه السلام نه تنها به علوم قرآنی که بر همه کتب آسمانی مسلط بودند و در مناسبت‌های گوناگون، از جمله در مناظره با اهل کتاب، از آن استفاده می‌کردند «وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ عَلَّمَ نَبِيَّ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ» (عطاردی، ۱۰۱/۲)

بهترین کسانی که به قرآن و سنت مسلط‌اند و به همه زوایای آن آگاهی دارند عترت پیامبرانند. "اعلمهم بالكتاب والسنة واعدلهم بالقضية والحجة علي اهل الدنيا" ائمه هدی علیهم السلام اعلم به کتاب و سنت‌اند و در قضاوت از همه کس عادلتر، و وجود آنان حجت بر خلائق به شمار می‌رود. (حرانی، ۴۸۷/۱۳۸۱)

فهم قرآن مراتبی دارد. فهم دقیق و تام و تمام قرآن اختصاص به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام خواهد داشت. نبی اکرم صلی الله علیه و آله اول مخاطب قرآن است و ائمه هدی علیهم السلام ورثه آن پیامبر عظیم الشأن محسوب می‌شوند. و بهترین کسی که قرآن را درک می‌کند، مخاطبین قرآن‌اند. "انما يعرف القرآن من خوطب به" (کلینی، ۳۱۱/۸/۱۴۲۹)

اهتمام به قرآن

قرآن کتاب آسمانی و قانون اساسی اسلام است. قرآن باید در شریان‌های حیات ما جریان داشته باشد. ^۱ ظاهری شیرین و باطنی عمیق و بس گسترده دارد. ^۲ باید دانست که حجیت قرآن ذاتی است.

فاش گویم آن چه در دل مضمراست این کتابی نیست چیزی دیگر است

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ "کسی که قرآن تلاوت کند در حالی که جوان مؤمنی است قرآن با گوشت و خون او آمیخته خواهد گشت. (کلینی، ۶۰۳/۲، ۱۴۲۹)
۲. "ظاهره آنیق و باطنه عمیق" (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

چون که در جان رفت جان دیگر شود
جان چو دیگر شد جهان دیگر شود
(اقبال لاهوری، ۱۳۹۷، ۳۵)

قرآن محوری را در زندگانی یکایک ائمه هدی علیهم السلام می‌بینیم. حضرت علی علیه السلام تسلط خویش بر قرآن را بارها مطرح می‌کند. 'سالار شهیدان در شب حساسی همچون شب عاشورا از دشمن مهلت می‌خواهد تا به عبادت و تلاوت قرآن پردازد. این خصیصه در حیات حضرت رضا علیه السلام نیز به نحو بارزی مشاهده می‌شود. در باره قرآن سفارش آکید می‌فرمودند که قرآن بهترین مسیر هدایت و سعادت است: "كَلِمَةُ اللَّهِ لَا تُجَاوِزُهُ وَلَا تَطْلُبُ الْهُدَىٰ فِي غَيْرِهِ فَتَضَلُّوا" قرآن کلام الهی است، از آن تجاوز نکنید و هدایت را در غیر آن جستجو نکنید، که گمراه خواهید شد. (صدوق، ۱۴۱۷/۳۲۶)

نیز فرمود: مبانی و معارف دینی را باید از منبع اصیل آن دریافت کرد. نمی‌توان به گزاف، آن را از هر کسی فراگرفت و گرنه انسان سرگردان و گمراه می‌شود. از غیر مسیر رفتن و منبع اصیل را رها نمودن، منجر به غیر پرستی و "شُرک" خواهد شد. تنها راه ایمن برای رسیدن به وحی الهی در اسلام، نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. (صدوق، ۱۳۷۸، ۹/۲)

بُعد رفتاری حضرت، در برخورد با مسلمانان و کیفیت ارتباطشان با غیر مسلمانان در موضوع قرآن جایگاه ویژه‌ای داشت.

«ابودکوان» شیفتگی آن حضرت به قرآن را این گونه وصف می‌کند: هرگز دیده نشد که در باره موضوعی از حضرت رضا علیه السلام سؤال شود، مگر آن که جوابش را می‌دانست و سخن و جواب و مثال آوردنش همه با شواهدی از قرآن بود. (همان، ۱۸۰/۲)

اهتمام آن حضرت به قرآن به گونه‌ای بود که در نمازهای واجب و مستحب، سوره متنوع قرآن را تلاوت می‌فرمودند. (همان، ۱۸۲/۲) امام علیه السلام توصیه آکید داشتند که مسلمانان در خانه‌های خود با قرآن انس و الفت داشته و به تلاوت آن پردازند: "اجْعَلُوا لِبُيُوتِكُمْ نَصِيبًا مِنَ الْقُرْآنِ" (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۸۵/۴)

۱. امیرمومنان علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند، آیه‌ای نیست، مگر آن که من می‌دانم که آیا به شب نازل شد یا در روز، در کوه نازل شد یا در دشت. (حسکانی، ۱۴۱۱، ۴۰/۱). همچنین رجوع شود به خطب نهج البلاغه:

۱۱۰، ۱۵۶، ۱۸۳، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۲۳، ۱۹۸، ۱

عبارت فوق حاوی این پیام است که نه تنها پدران و مادران در خانواده به قرآن اهتمام ورزند، که در آموزش و حفظ قرآن نسبت به فرزندان نیز باید جدی و کوشا باشند.

مناظرات حضرت رضا علیه السلام

مناظره یک اصل قرآنی، خردپسند و حکیمانه است. گاهی باید در جایگاه گوینده محض و گاهی باید شنونده سرتا پاگوش بود و گاهی شرائط به گونه‌ای است که جدال احسن و مناظره، راه گشاست. در قرآن مجید از این اصل ارزشمند به عنوان جدال احسن یاد شده است. جدال بر وزن فعال از کلمه مجادله گرفته شده و اصلش از لفظ جدل است که از «قتل» به معنای تأیید و پیچیدن می‌باشد. گوئی دو نفر که با هم بحث می‌کنند، هر یک از آنان دیگری را با رأی و نظر خویش می‌پیچانند. (دهخدا، ۱۳۷۷، «جدل»)

جدل اقسام فراوانی دارد. در یک تقسیم، که قرآن نیز بدان اشاره فرموده است، می‌توان گفت که: جدال بر دو گونه است: جدال احسن و جدال غیر احسن. جدال احسن همان است که انسان در صدد بیان و اثبات حق برآید. ولی جدال غیر احسن در مقام غلبه باطل بر حق است "وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ" (غافر/۵)

به هر حال باید به دیگران مجال داد تا بپرسند، انتقاد نمایند و دغدغه ذهنی خود را مطرح کنند. بر همین اساس قرآن مجید در راستای هرادعائی می‌پرسد: برهان شما چیست؟ "قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ" (انبیاء/۲۴)

نیز خطاب به نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: "أُدْعُ إِلَيَّ سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" مردم را با شگرد رفتاری متنوع: حکمت، موعظه حسن و جدال احسن، به سوی خدا دعوت کن (نحل/۱۲۵). و در مورد اهل کتاب می‌فرماید: جز با جدال احسن با اهل کتاب به گفتگو مپردازید. "وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" (عنکبوت/۴۶)

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که می‌فرماید: مائیم که پیوسته در دین خدا به جدال احسن می‌پردازیم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۵/۲)

جدال احسن رفتاری بر اساس سیره عقلا است و یک اصل ممدوح به شمار می‌رود، که قرآن مجید بر آن عنایت ویژه دارد.

در جایگاه ولایتعهدی برای حضرت رضا علیه السلام شرائط ویژه ای پیش آمد که زمینه این نوع رفتار یعنی مناظره و گفتگو با اقشار مختلف فراهم گشت. امام رضا علیه السلام از این فرصت، بهره وافر بردند، به گونه‌ای که تعداد زیادی سؤال را در این گفتمان‌ها و محاورات جواب فرمودند و همه را مبهوت خود ساختند. (شریف قرشی، ۱۳۸۶، ۷۲/۱)

امام رضا علیه السلام بین دوست و دشمن به "عالم آل محمد" معروف شده بودند. دونالدسن مستشرق معروف، عین مناظرات آن حضرت علیه السلام را در کتاب تاریخ خود نقل کرده و محدثان و مورخان هم‌چون ابوبکر خطیب در تاریخ بغداد، ثعلبی در تفسیرش، سمعانی در انساب، ابن شهر آشوب در مناقب، بر فضل و برتری آن حضرت علیه السلام اذعان نموده‌اند. (عطائی خراسانی، ۱۳۴۹، ۳۱۰/)

در این نوشتار به پنج مناظره به اختصار اشاره می‌شود:

مناظره امام رضا علیه السلام با مأمون عباسی

در بین خلفای بنی العباس، مأمون از همه درس خوانده تروبا سواد تربود، او در فرصت‌های گوناگون با حضرت رضا علیه السلام به گفتگو و مناظره می‌پرداخت. یکی از مناظرات مأمون با حضرت رضا علیه السلام مناظره معروف با محوریت عصمت انبیاء علیهم السلام است. رفتارگرایی حضرت در این مناظره قابل توجه است.

مأمون از حضرت رضا علیه السلام درباره عصمت انبیاء علیهم السلام می‌پرسید و پیوسته از آیات قرآن استشهاد می‌کرد و حضرت جواب می‌دادند. با اختصار به دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱- چرا حضرت ابراهیم علیه السلام در گفتگوی با ستاره پرستان، به کوکبی اشاره و فرمود: "هَذَا رَبِّي" این ستاره پروردگار من است؟! (انعام/۷۶) حضرت رضا علیه السلام در جواب فرمودند: این بیان بر سبیل انکار و استفهام بود، نه بر سبیل خبر دادن و اقرار. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۹/۱۱). نیز بخاطر ابطال مرام آنان بود و این که باید خالق این‌ها پرستیده شود، نه خود آن‌ها. در ضمن

این احتجاج، الهامی بود، که خدای سبحان به حضرت ابراهیم علیه السلام عنایت فرمود: "وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ" (انعام/۸۳)

۲- مأمون پرسید: درباره حضرت یوسف علیه السلام چه می‌فرمایید که در قرآن آمده است: "وَهُمْ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ" حضرت علیه السلام فرمود: بله، اگر برهان رب را نمی‌دید او هم تمایل پیدا می‌کرد، ولی با وصف دیدن برهان رب دیگر چنین تمایلی پیدا نکرد. (بحار ۱۱ ص ۷۸، امین عاملی، ۱۴۰۳، ۲۲/۲). مناظره مزبور مفصل است که جهت اختصار به همین مقدار اکتفا شد.

مناظره امام رضا علیه السلام با جاثلیق

جاثلیق رهبر بزرگ مسیحیان و به منزله پاپ در این زمان است. حضرت رضا علیه السلام در زمینه‌های گوناگون با جاثلیق به مناظره پرداختند که در این نوشتار جهت اختصار به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود. جاثلیق از حضرت رضا علیه السلام پرسید: آیا پیامبری حضرت عیسی علیه السلام در نزد شما محرز است؟

اگر امام به طور مطلق اعتراف می‌فرمود، او این چنین استدلال می‌کرد:

درباره پیامبری حضرت عیسی علیه السلام اجماع داریم ولی پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله مورد اتفاق نبوده و ما آن را انکار می‌کنیم. بنابراین عقل و انصاف اقتضا می‌کند که پیامبری آن کسی را بپذیریم که همه بر آن اعتراف و اتفاق نظر داریم و فرد مورد اختلاف را رها کنیم. ولی حضرت رضا علیه السلام با بیانی قاطع و محکم، بی‌درنگ فرمودند: ما پیامبری آن عیسائی را قبول داریم که به پیامبری حضرت محمد علیه السلام بشارت داد و حواریین نیز بدان اقرار کردند، و گرنه ما آن عیسائی که چنین بشارتی را نداده باشد، از ریشه نمی‌شناسیم و هرگز به پیامبری او اعتراف نمی‌کنیم. (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲/۴۰۷)

در اینجا حضرت رضا علیه السلام به رفتار و شگرد حکیمانه‌ای در مناظره روی آوردند و با استفاده از یک زاویه ابتکاری فرمودند: بله ما به آن عیسائی که به محمد ایمان آورد، گرایش

۱. «مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي إِسْمُهُ إِحْمَدُ» (صف/۶)

وایمان داریم، لکن مشکلی که در زندگی حضرت عیسی علیه السلام مشاهده می‌شود، قلت نماز و کمی روزه است " وَ مَا نَنْقُمُ عَلَيَّ عَيْسَىٰ شَيْئًا إِلَّا قَلَّةً صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ "

دراین هنگام جاثلیق برآشفته و گفت: گمان من این بود که شما اعلم اهل اسلام هستید، ولی الآن چیزی را مطرح نمودید که خلاف آن را اثبات می‌کند. حضرت فرمودند: چطور؟! جاثلیق گفت: حضرت عیسی عبادت نمی‌کرد؟! پیوسته و درطول عمرش به صیام نهار و قیام لیل اشتغال داشت. حضرت رضا علیه السلام فرمودند: " فَلَمَنْ كَانَ يَصُومُ وَ يُصَلِّي؟ " نماز و روزه برای چه کسی به جا می‌آورد؟ آیا خدا برای خود نماز می‌گزارد و روزه می‌گیرد؟! در اینجا جاثلیق از جواب عاجز ماند و مبهوت شد! (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲/۲۰۳)

آن گاه حضرت رضا علیه السلام پرسید: چرا شما حضرت عیسی علیه السلام را خادمی دانید؟ جاثلیق گفت: چون مرده زنده می‌کرد و بیماری‌های لاعلاج - همچون برص و کور مادرزاد - را شفا می‌بخشید. و جز خدای متعال، کسی قادر به چنین سازوکاری نیست.

در این جا امام علیه السلام به شیوه جواب نقضی فرمودند: حضرت الیسع پیامبر علیه السلام نیز مرده زنده می‌کرد. آیا کسی او را می‌پرستید؟! حضرت حزقیل علیه السلام نیز مثل حضرت عیسی علیه السلام مرده زنده می‌کرد، آن هم پس از شصت سال! پس (طبق مبنای شما) ایشان هم خداست و مردم باید او را پرستند؟!

سپس فرمود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز مرده زنده می‌کرد و بیمار لاعلاج را شفا می‌بخشید و طیور و بهائم با او سخن می‌گفتند، ولی ما هرگز او را نمی‌پرستیم. هم چنین حضرت خلیل الرحمن علیه السلام پرندگان را گرفته و سربرید و سپس آن‌ها را برکوه‌های اطراف پراکنده ساخت و سپس آن‌ها را فراخواند و همگی زنده شدند. حضرت موسی علیه السلام نیز در جریان میقات و لقاء الهی مرده زنده کرد، آیا همه آن پیامبران باید پرستیده شوند؟! (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲/۲۰۴-۲۰۵)

جواب حلی اش به اختصار بدین شرح است: ۱- اقتضای حکمت الهی خلقت انسان و هدایت افراد بشر است. ۲- برای این منظور افراد زنده ای برای رسالت الهی و ابلاغ وحی بر گزیده می‌شوند. ۳- در این راستا خداوند حکیم، پیامبران خویش را به قدرت اعجاز مجهز می‌سازد. به تعبیر جناب خواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله راه اثبات حقیقت نبوت، قدرت

اعجاز آنان خواهد بود. (خواجه نصیر، ۱۳۶۸/۲۷۶) ۴- تا هر شیادی نتواند ادعای پیامبری کند و مردم را در دام ضلالت خود گرفتار سازد. ۵- غیرممکن است که خداوند حکیم، ابزار اعجاز را در اختیار شیادان قرار دهد.

در این جا جاثلیق گفت: "الْقَوْلُ قَوْلِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" و در نهایت عرض کرد: به خدا سوگند گمان نمی‌کنم که در دانشمندان اسلام، کسی نظیر شما پیدا شود. (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲۰۸/۲)

مناظره امام رضا علیه السلام با رأس الجالوت

حضرت رضا علیه السلام با رأس الجالوت رهبر بزرگ یهودیان نیزگفتگوی مفصلی داشتند که با اختصار به فرازی از آن اشاره می‌شود. در این مناظره امام هشتم علیه السلام تمام دعاوی خویش را بر اساس کتاب مقدس یهودیان مطرح فرمودند، که این امر باعث شگفتی حضار گردید! انگیزه حضرت در این نوع رفتار تأثیرگذاری بر مخاطب بود که موفق شدند.

حضرت رضا علیه السلام با رأس الجالوت به گفتگو پرداخته و فرمودند: شما چرا نبوت حضرت عیسی علیه السلام را انکار می‌کنید؟ در جواب گفت: چون معجزه ای از او مشاهده نکرده ایم.

فرمودند: مگر معجزات حضرت موسی علیه السلام را مشاهده کرده اید؟! آیا جز آن است که اخبار موثقی به شما رسیده و آن را تصدیق می‌کنید؟ حال اگر اخبار موثقی داشتیم که حضرت عیسی علیه السلام نیز معجزه داشته‌اند، آیا نباید رسالت ایشان را پذیرفت؟ چطور حضرت موسی علیه السلام را تصدیق می‌کنید ولی نبوت حضرت عیسی علیه السلام را انکار می‌کنید؟! در این جا رأس الجالوت در جواب متحیرماند. (همان، ۲۱۱/۲) حضرت رضا علیه السلام فرمود: و همچنین است داستان محمد صلی الله علیه و آله و آن چه او با خود آورد.

محمد صلی الله علیه و آله درسی نخوانده و معلمی ندیده بود. اما قرآنی آورد که در آن قصص انبیای الهی و اخبار آنان به طور دقیق نقل شده است. همچنین از اخبار گذشته و آینده خبر داده است، و بسیاری معجزات دیگر. رأس الجالوت گفت: در نظر ما اخبار عیسی و محمد صحیح نیست و ما بدان اقرار نمی‌کنیم! حضرت فرمودند: یعنی شهادتی که درباره حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیان می‌شود، شهادت به باطل است؟! "فَالشَّاهِدُ الَّذِي

يُشْهَدُ لِعِيسَى وَ مُحَمَّدٌ شَاهِدٌ زُورٍ؟! در اینجا راس الجالوت از جواب بازماند. " فَلَمْ يُجِزْ جَوَابًا"

(همان، ۲۰۸-۲۱۱/۲)

مناظره امام رضا علیه السلام با عمران صابی

در نهایت، حضرت رضا علیه السلام به جمعیت فرمودند: اگر کسی هست که با اسلام مخالف باشد و سؤالی دارد، با آرامش - بدون ترس و وا همه - پرسد.

«عمران صابی»^۱ که یکی از متفکرین حاضر در محفل بود، از جا برخاست و عرضه داشت که اگر خودتان دعوت به سؤال نفرموده بودید نمی پرسیدم! من دانشمندان و متکلمین فراوانی را در کوفه و بصره و شام و جزیره، ملاقات نموده ام، ولی کسی را نیافتم که خدای یکتای بی همتا را برای من ثابت کند؛ حال شما اجازه می فرمائید که سوال بپرسم؟ حضرت فرمودند: اگر در این جمعیت عمران صابی باشد، شما هستید؟! گفت: بله من هستم. فرمودند با رعایت انصاف سؤال کن! گفت: بله همین طور است، که اگر برایم ثابت شود از آن تجاوز نخواهم کرد. حضرت فرمود: هرچه در ذهن داری بپرس. عمران پرسید مرا از کائن اول و آن چه خلق نموده آگاه گردان؟

فرمودند: خدای واحد پیوسته بوده و هست. یگانه‌ای که هیچ چیزی با او هم‌مطراز نیست. بدون حدود و اعراض. سپس خلایق را ابداع فرمود - در حالی که از قبل چیزی نبودند - با اعراض و حدود مختلف. و در این جا شمه‌ای از اوصاف مخلوقات را وصف نمودند. این خلایق را خدای سبحان نه به خاطر احتیاج به آن‌ها آفرید، که توسط آنها به زیاده یا کمی نائل آید. ای عمران آگاه باش که اگر قرار بود که خدای مٔان خلقی را به خاطر حاجت بیافریند، نمی آفرید مگر کسی را که بتواند به او یاری برساند، و در آن صورت باید خیلی بیشتر از آنچه آفرید، بیافریند؛ چرا که اعوان و انصار هرچه بیشتر باشند، صاحب آن قوی تر خواهد بود. در این مرحله بین آن حضرت و عمران صابی سؤال و جواب فراوانی رد و بدل شد، تا این که در نهایت حضرت رضا علیه السلام فرمودند: ای عمران! آن چه

۱. مناظره عمران صابی حاوی مهمترین و مبهم‌ترین سؤال‌های حکمت در باره عقل متعالی است که عقول محققان را هنگام تفکر در آن خسته می‌کند. (قرشی، ۱۷۲/۱۳۸۲)

گفته شد را خوب فهمیدی؟! عمران صابی گفت: بله ای آقای من؛ و شهادت می‌دهم به این که خداوند همان گونه است، که شما به یگانگی و صفات بیان فرمودید. و همچنین شهادت می‌دهم به این که محمد بنده خدا و فرستاده اوست که برای هدایت و دین حق برگزیده شده است. سپس عمران، روی خود را به قبله برگردانید و به سجده افتاد و اسلام آورد. و در این جا مجلس مناظره و گفتمان به پایان رسید. وقتی حضرت رضا علیه السلام به منزل رسیدند، غلامی را به سوی عمران فرستادند و او را به نزد خود احضار نموده و به او خلعت و مال فراوانی عطا فرمودند. (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲/۲۱۴)

با عنایت به آنچه گفته شد، این نکته در خور توجه است که تا چه حد فرآیند رفتار در مکتب رفتارشناسی می‌تواند بر دستاوردهایی که در نهایت کسب می‌کند، تأثیرگذار باشد. امام علیه السلام در هر مقطعی از این فرآیند بهره برده و توانستند هر حالت منحصر به فردی در شرایط گفتار، موضع گیری، اظهار نظر، عقیده، انتخاب، نگرش، برداشت، هدف و ... را مدیریت کنند. لذا ضرورت دارد بررسی‌های عمیق‌تری در فرآیند نگرش‌های رفتارگرایانه در سیره ائمه علیهم السلام صورت پذیرد تا در پرتو معرفت‌افزایی و با توجه به آنچه از حقیقت رفتار و عمل و تفکیک لایه‌های آن بدست می‌آید، رفتار درست و عملکرد صحیح در جامعه بطور کلی و به ویژه در جوامع اسلامی گسترش یابد.

نتایج و پیامها

بی شک یکی از راههای انتقال معرفت دینی و تربیتی به مخاطبان، استفاده از الگوهای تربیتی است که در اسلام به صورت عینی در اختیار مسلمانان قرار گرفته است. یکی از این نمونه‌ها امام رضا علیه السلام است. سلوک رفتاری امام در موارد مختلف اخلاقی و علمی ایشان بسیار قابل توجه و در جهت ترویج تربیت مترقی اسلامی و تبیین اندیشه صحیح و تقابل با انحرافات روز است. نتایج ذیل با عنایت به رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در موارد مختلف اخلاقی و علمی حاصل می‌شود:

۱- سیمای حضرت رضا علیه السلام، به گونه‌ای درخشان بود که فرامین و نامه‌های ایشان، در سراسر کشور اسلامی آن روز نافذ بوده و عنوان ولایتعهدی چیزی بر آن نیفزوده است.

- ۲- در برابر تعریف و تمجید دیگران، باید عکس العمل نشان داده و به این ثنا خوانی‌ها اجازه و میدان نداد.
- ۳- برسرتقوی وانجام وظائف الهی، با هیچ کس حتی نزدیک‌ترین افراد نباید معامله کرد و در صورت لزوم، باید از آنان تبری جست.
- ۴- بزرگان دین باید حفظ وحدت امت اسلامی و جلوگیری از تشتت را سر لوحه هدایت و رهبری خویش قرار دهند.
- ۵- در نشر علوم و معارف و پرورش فرهیختگان، باید اهتمام بلیغ به خرج داد و از هر فرصتی در این راستا بهره مند شد.
- ۶- اکتساب علوم و نشر معارف تا آن جا مورد اهتمام است، که در برخی از موارد حتی مستحب مؤکدی همچون نماز شب را می‌توان فدای آن نمود!
- ۷- حضرت ثامن الحجج علیه السلام به انس با قرآن تأکید شایانی داشتند. وهمان گونه که اشاره می‌فرمایند، در فهم دقیق و تمام «قرآن» باید به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام مراجعه کرد.
- ۸- مناظره و جدال احسن با انگیزه دستیابی به حقیقت، یک اصل قرآنی است که بزرگان دین، بدان توجه ویژه داشته‌اند.
- ۹- حضرت رضا علیه السلام، در گفت‌وگو با ادیان و مناظرات، حضور فعال و جدی داشته و سؤالات زیادی را پاسخ داده‌اند.
- ۱۰- برخورد اسلام با پیروان سایر مکاتب قبل از هر چیز باید منطقی باشد و منطق اسلام به قدری نیرومند است که در اثبات حقانیت خود از مکتب‌های دیگر هیچ واهمه ای ندارد.
- ۱۱- علمای اسلام باید در هر زمان از تمام مکاتب و مذاهب دیگر با خبر باشند و برتری آیین اسلام را بر هر مکتب دیگری اثبات نمایند.
- ۱۲- آشنائی با زبان‌های زنده دنیا برای علمای اسلام ضروری است.
- ۱۳- علمای اسلام باید با علم روز حرکت نموده و از وسائل ارتباط جمعی موجود در جهان حداکثر بهره وری را داشته باشند.

۱۴- تأثیر رفتارهای علمی امام در افراد مختلف، که همانا کلید موفقیت در برقراری ارتباط موثر در نشر علوم و معارف است امری شاخص برای حضرت به شمار می‌رفت و همین امر در بسیاری موارد سبب هدایت آنها می‌شد. و نهایتاً اینکه تمسک به سبک و الگوی رفتاری امام علیه السلام می‌تواند اهداف متعالی اخلاقی و علمی را تحقق بخشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، نشر مکتبه آیه الله نجفی المرعشی، ۱۴۰۴ق
- ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ق
- ابن فارض مصری، عمر بن علی، دیوان اشعار، قم، نشر الشریف الرضی، ۱۳۶۹ش
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الاثمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۳۶ق
- اربلی، محدث، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، تهران اسلامی، ۱۳۸۲ش
- امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق
- تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: درایتی، قم، دفتر تبلیغات، بیتا
- جوادی آملی، عبدالله، قرآن حکیم از منظر امام رضا علیه السلام، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۱ش
- حسکائی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، مصحح: محمودی، محمد باقر، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق
- حرانی، ابو محمد، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۱ش
- حراملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
- خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، شکوری، ۱۳۶۷ش
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش
- رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق
- شریف قرشی، باقر، موسوعه الامام الصادق علیه السلام، نجف اشرف، مهramیرالمومنین، ۱۳۸۶ش
-
- پژوهشی دقیق در زندگی امام رضا علیه السلام، ترجمه سید محمد صالحی، تهران، اسلامی، ۱۳۸۲ش
- شیخ رئیس، حسین، اشارات و تنبیهات، شرح خواجه نصیر، تهران، دفتر نشر حیدری، ۱۴۰۳ق
- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، قم، نشر طوس، ۱۳۶۳ش
-
- امالی صدوق، قم، بعثت، ۱۴۱۷ق
-
- توحید صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق
-
- طباطبائی، حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش

- طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، نجف، النعمان، ۱۳۸۶ق
- طبرسی، فضل بن الحسن، **اعلام الوری باعلام الهدی**، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ق
- طبرسی، علی بن الحسن، **مشکاة الانوار فی غرر الاخبار**، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۴۴ق
- طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران، نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۳۶۷ش
- عباسی، محمد، **برهان قاطع**، چاپ دوم، مطبوعاتی فریدون علمی، ۱۳۴۴ش
- عطائی خراسانی، علی اصغر، **پرتوی از زندگانی هشتمین امام علی بن موسی الرضا علیه السلام** مشهد، نشر طوس ۱۳۴۹ش
- عطاردی، عزیرالله، **مسند الامام الرضا علیه السلام**، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق
- عمر بن علی، ابن فارض، «**دیوان اشعار**»، قم، بیت اشراق، ۱۳۷۶ش
- فولادوند، محمدمهدی، **ترجمه نهج البلاغه**، تهران، نشر ضائب، ۱۳۸۰
- قمی، عباس، **تتمه المنتهی**، تهران، سازمان تبلیغات، ۱۳۸۹ش
- کاشانی، ملافتح الله، **تفسیر منهج الصادقین**، تهران، کتاب فروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ش
- کرام الدینی، محمد، **رفتارشناسی**، انتشارات فاطمی، ۱۳۹۷ش
- کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق
- الکفاح الاسلامی سال هفدهم ماه نیرسان، ۱۹۵۵م
- لاهوری، اقبال، **جاوید نامه**، تهران، نشر عالی نگار، ۱۳۹۷ش
- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
-
- مرآت‌العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش
- مرتضی‌العاملی، جعفر، **الحیة السیاسیة للامام الرضا علیه السلام**، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۱۶ق
- مکارم شیرازی، ناصر، **مناظرات تاریخی امام رضا علیه السلام**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۸ش
- مفید، محمد بن محمد، **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، نشر کنکره مفید، قم، ۱۴۱۳ق
-
- الاختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق